

Comparative study of verses 83-81 of Surah Al-Imran Among the interpretations of Majma 'al-Bayyan, Al-Mizan and Tasnim

(Received: 07/02/1400 - Accepted: 07/07/1400)

Leila Khani Oshani¹

Zahra Sedighi²

Abstract

Comparative studies have been considered in the present century, because in this type of studies, the advantages and disadvantages of theories are revealed. The present study, in order to obtain the differences and commonalities of the three interpretations of Majma 'al-Bayyan, Al-Mizan and Tasnim, verses 83-81 of Surah Al-Imran in a descriptive-analytical and comparative method from the point of view of three commentators, namely Sheikh Tabarsi, Allameh Tabatabai and Ayatollah Javadi Amoli examines. In this research, first Surah Al-Imran and the mentioned interpretations are introduced and then the commentators' opinions about verses 81-83 of Al-Imran are compared with each other. The results of the article indicate that; While all three commentators have tried to interpret the verses that are in the same context, in one section and not separately, there is also a parallel between the comments of the commentators. Also, one of the best ways to deeply understand the verses of the Holy Quran and the influence of the divine verses in the heart and soul, is to use comparative interpretation.

Keywords: Surah Al-Imran, Al-Mizan, Tasnim, Majma 'al-Bayyan, Comparative Studies.

1. M.Sc., Majid Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Tehran, Iran. (Responsible author) le.khani.90@gmail.com

2. M.Sc., Majid Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Malayer, Iran. zahra.sedighi1372@gmail.com

بررسی مقارنه‌ای آیات ۸۳-۸۱ سوره آل عمران،

میان تفاسیر مجمع‌البیان، المیزان و تسنیم

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷)

لیلا خانی اوشانی^۱

زهرا صدیقی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به منظور دست‌یابی به موارد اختلاف و اشتراک سه تفسیر مجمع‌البیان، المیزان و تسنیم، آیات ۸۳-۸۱ سوره آل عمران را به روش توصیفی-تطبیقی از دیدگاه سه مفسر یعنی شیخ طبرسی، علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی، مورد بررسی قرار می‌دهد. مطالعات تطبیقی یا مقارنه‌ای، در قرن حاضر مورد توجه قرار گرفته است، زیرا در این نوع بررسی‌ها، محاسن و معایب نظریه‌ها آشکار می‌گردد. همچنین یکی از بهترین راه‌ها، جهت فهم عمیق آیات قرآن کریم و نفوذ مراد آیات الهی در دل و جان، بهره‌بردن از تفسیر تطبیقی است. بنابراین ضرورت چنین پژوهش‌هایی روشن است. در این پژوهش، ابتدا سوره آل عمران و تفاسیر مورد نظر معرفی می‌شوند و سپس آیات مربوطه از هر سه تفسیر مورد توجه قرار گرفته و نظریات مفسران با یکدیگر مقایسه و تطبیق داده خواهند شد. نتایج مقاله حاکی از آن است؛ ضمن اینکه، هر سه مفسر سعی کرده‌اند آیاتی را که در یک سیاق‌اند، در یک بخش تفسیر کنند، بین نظرات مفسران هم‌سوپی دیده می‌شود.

کلید واژه‌ها: سوره آل عمران، المیزان، تسنیم، مجمع‌البیان، مطالعات تطبیقی.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران، (نویسنده

مسئول). le.khani.90@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ملایر، ایران.

zahra.sedighi1372@gmail.com

مقدمه

قرآن کتابی است که، برای زندگی و عمل آمده و بدین منظور، باید فهمیده شود. مفسران در فهم آیات آن تفاوت‌هایی دارند؛ اما در برخی از آیات، تفاوت‌ها بسیار جدی و ماهوی است. از سوی دیگر در مطالعات قرآنی از شیوه‌های متنوعی استفاده می‌شود؛ به‌ویژه در یک قرن اخیر شیوه‌های جدیدی صورت گرفته است؛ بنابراین مطالعات تطبیقی در عصر حاضر، یک روش بسیار مهم در حوزه مطالعات دانش‌هاست که در موضوعات مختلف امکان‌پذیر است. این روش در واقع شناخت موضوع یا مسأله‌ای در پرتو مقایسه است که، با توصیف و تبیین نقاط اشتراک و اختلاف انجام می‌پذیرد. به‌همین منظور، در مقاله‌ی حاضر، آیات ۸۳-۸۱ سوره آل عمران مورد توجه قرار گرفته است و دیدگاه سه مفسر، یعنی شیخ طبرسی، علامه طباطبایی و آیت ... جوادی آملی، محور بحث می‌باشد. تاکنون نگاشته‌ای با رویکرد مقاله حاضر، تألیف نشده است. سوره‌ی آل عمران در «مدینه» نازل شده و دارای ۲۰۰ آیه است. به نظر می‌رسد که این سوره در خلال سال‌های جنگ بدر و جنگ احد (سال‌های دوم و سوم هجرت) نازل شده است و بخشی از طوفانی‌ترین دوران‌های زندگی مسلمین را در صدر اسلام منعکس می‌کند. در آیه‌ی ۱۳ اشاره کوتاهی به «جنگ بدر» شده و از آیه ۱۲۱ تا ۱۲۸ اشارات بیشتری هم به غزوه‌ی بدر و هم احد، آمده است. مطالب این سوره چنان به هم مربوط و هماهنگ است که، گویی همه‌ی آن‌ها یک‌جا نازل شده است. (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۲/۴۰۸ و ۴۰۷)

کتاب تفسیری «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن» که یکی از منابع مورد نظر جهت انجام این پژوهش می‌باشد، به زبان عربی و نوشته‌ی ابوعلی فضل بن حسن طبرسی از علمای بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است. وی با ذهن خلاق خود، در کیفیت نگارش و تدوین مطالب «مجمع‌البیان»، از شیوه‌ی جدیدی در عصر و زمان خودش استفاده کرده است که، باعث شده با نظم و ترتیبی خاص تدوین یابد. (ذهبی، ۱۳۹۶: ۲/۹۹) مجمع‌البیان شامل مباحثی چون: قرائت، اعراب، لغات، بیان مشکلات، ذکر موارد معانی و بیان، شأن نزول آیات، اخبار وارده در آیات و شرح و تبیین قصص و حکایات است. مجمع‌البیان به بحث‌های موضوعی نمی‌پردازد و نظریات مفسران اهل سنت را نقل و با روش عالمانه نقد می‌کند. (ایازی، ۱۳۷۸: ۲۴۰) شیخ طبرسی متولد سال ۴۶۸ قمری از عالمان بزرگی است که شخصیت علمی و فکری وی در مشهد و سبزوار تکوین یافت و در همان‌جا به تدریس و تعلیم و نشر افکار پرداخت و در نهایت در سال ۵۴۸ قمری دیده از جهان فروبست. (همان: ۲۳۹)

از دیگر منابع این جستار، کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» تألیف علامه سید محمدحسین طباطبایی است. اصل این تفسیر، به زبان عربی در بیست مجلد نوشته شده و تألیف آن در رمضان ۱۳۹۲ قمری به پایان رسیده است. ترجمه‌ی فارسی این اثر،

بالغ بر چهل جلد است که؛ به‌همت جمعی از اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم، مجلدات آن به فارسی درآمده است. (خرم‌شاهی، ۱۳۶۰: ۱/۷)

به علامه طباطبایی اساس کار خود را بر قاعده‌ی «تفسیر قرآن به قرآن» قرار داده است. همچنین در عین اینکه، قرآن را از آغاز تا انجام تفسیر کرده، موضوعات مشابه را در سوره‌های مختلف ماهرانه در کنار یکدیگر آورده و تحت یک بحث جامع حلاجی کرده است. (همان) وی در سال ۱۳۲۱ هجری قمری در تبریز دیده به جهان گشود. بیشتر افراد خاندان او از بزرگان علم بودند. علامه تحت روش علمی خاص و نظام تعلیماتی معینی بود که، به نظام حوزه معروف است. علامه بین محیط‌های علمی سه‌گانه (تبریز، نجف و قم) رفت‌وآمد داشت و وجود، رشد و تداوم فعالیت علمی وی در سایه‌ی این مراکز بود. (اوسی، ۱۳۸۱: ۶۱ و ۵۷) علامه طباطبایی پس از ۸۱ سال عمر و ۱۸ روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در سال ۱۳۶۰ شمسی به دیار ملکوت رهسپار شد. (لقمانی، ۱۳۸۰: ۱۱۱ و ۱۱۰)

تفسیر دیگری که در این پژوهش مدنظر قرار گرفت، تفسیر گران‌سنگ تسنیم، محصول درس تفسیر ترتیبی قرآن کریم آیت‌الله جوادی‌آملی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم است که، یکی از مهم‌ترین تفاسیر عصر حاضر به شمار می‌رود. تدریس تفسیر تسنیم از پاییز سال ۱۳۶۱ شمسی آغاز شده است. انتشار تسنیم از سال ۱۳۷۵ آغاز و تا کنون ۵۶ جلد از آن چاپ شده است. مفسر تسنیم از سه روش تفسیر قرآن به قرآن، قرآن به سنت و قرآن به عقل استفاده کرده است، پس روش تفسیر آن، جامع می‌باشد. تفسیر قرآن به عقل در تفسیر تسنیم با گرایش‌های متفاوتی، اعم از ادبی، کلامی، فقهی، فلسفی، عرفانی و اجتماعی سامان می‌یابد و گرایش غالب آن، گرایش اجتماعی است. (ایمانی‌خوشخو و تقدسی، ۱۳۹۵: ۲۷ و ۲۹) آیت‌الله جوادی‌آملی در سال ۱۳۱۲ شمسی در آمل پا به عرصه گیتی نهاد. ایشان از برجسته‌ترین اساتید فلسفه و عرفان در عصر حاضر به شمار می‌روند. نیز افزون بر دو رشته‌ی یاد شده، در رشته‌هایی چون تفسیر، فقه، حدیث، کلام قدیم و جدید و ... صاحب آثار گران‌قدری هستند. (شایان‌فر، ۱۳۸۷: ۹۶)

۱- بررسی تطبیقی مجمع‌البیان، المیزان و تسنیم در آیات ۸۲ و ۸۱ سوره آل عمران

پژوهش حاضر آیات ۸۳ و ۸۲، ۸۱ از سوره‌ی آل عمران را که، در راستای یکدیگر، مفهومی واحد به مخاطب ارائه می‌دهند، مورد بررسی قرار داده است. از آنجایی که، دو آیه‌ی ۸۱ و ۸۲ آل عمران، در تکمیل معنای یکدیگرند؛ بنابراین همراه با هم، مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرند. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ * فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ

هُمْ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران / ۸۱ و ۸۲)؛ و (به یاد آرید) هنگامی که خداوند از (یکایک) پیامبران (و امت‌های آنها) پیمان گرفت که البته هرگاه به شما کتاب و حکمت دادم سپس (در آینده‌ی تاریختان) فرستاده‌ای برای شما آمد که آنچه را در نزد شماست تصدیق نمود، حتماً باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. (آن‌گاه خدا) فرمود: آیا اقرار کردید و بر این (امر) پیمان مؤکد مرا دریافتید؟ گفتند: اقرار کردیم، فرمود: پس (به همین مبادله پیمان) گواه باشید و من هم با شما از گواهانم. پس کسانی که بعد از این (پیمان) روی گردانند آنانند که نافرمانند. (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۱: ۶۰)

۱-۱- تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیات ۸۱ و ۸۲ آل عمران

«وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ»: در تفسیر مجمع‌البیان در باب این قسمت روایاتی تفسیری ذکر شده که، همگی شبیه به هم هستند. از باب نمونه تنها به روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) اشاره می‌گردد. ایشان می‌فرمایند: خداوند میثاق و پیمانی از انبیاء، قبل از پیغمبر ما گرفت که، به امت خود از بعثت و صفات و خصوصیات وی خبر و بشارت دهند و آن‌ها را به تصدیق پیغمبری وی امر نمایند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۷۸۴)

«لَمَّا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»: هرگاه کتاب آسمانی و حکمت و دانشی برای شما آمد و بعد از آن پیامبری آمد که، آن کتاب و حکمتی را که نزد شماست، تصدیق کرد، بی‌درنگ به او ایمان آورید و باری‌اش نمایید و آنان به این حقیقت اقرار کردند و پیامبرشان این پیمان را از آنان گرفت. (همان: ۲ / ۷۸۴ و ۷۸۵)

«قَالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»: خداوند به انبیاء فرمود: آیا اقرار و تصدیق به آن کردید؟ و عهد مرا بر این امر پذیرفتید؟ انبیاء و امم انبیاء گفتند: به آنچه امر کردی که اقرار کنیم اقرار کردیم. خداوند فرمود: بر امت خود بر این امر شاهد باشید. (همان: ۲ / ۷۸۵)

«وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»: در اینجا چند تفسیر آمده: ۱- از حضرت علی (ع) روایت است که، فرمودند: «شاهدم بر شما و بر امم شما» ۲- از ابن عباس روایت است که: «بدانید که من به نیت و عملکرد شما دانانترم» (همان: ۲ / ۷۸۵)

«فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»: در این آیه‌ی شریفه، در مورد کسانی که روی برتابند، از واژه‌ی «فاسق» استفاده شده است و نه کافر و مشرک. چراکه؛ مقصود این است که، هر کس بر این واقعیت پشت کند و روی برگرداند، در بدترین شرایط کفر به خدا و عصیان از پیامبر (ص) و پایمال ساختن پیمان خود با خدا، از دین بیرون رفته است و این زشت‌ترین چهره‌ی کفر و حق‌ستیزی است. (همان: ۲ / ۷۸۵ و ۷۸۶)

۱-۲- تفسیر المیزان ذیل آیات ۸۱ و ۸۲ آل عمران

«وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ»: این آیه از میثاقی که گرفته شده است، خبر می‌دهد.

حال باید دید، آیا منظور میثاقی است که از دیگران برای انبیاء گرفته شده و یا منظور میثاقی است که از خود انبیا گرفته شده؟ از اینکه در ادامه‌ی عبارت، خطاب به مردم نموده و می‌فرماید: «ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ»، پس می‌تواند منظور از عبارت «مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» میثاقی باشد که از مردم برای انبیاء گرفته شده است. نیز از اینکه خطاب به انبیاء فرموده: «أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي...» و همچنین فرموده: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ...»، می‌توان دریافت که، منظور از عبارت «مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» میثاقی باشد که، از خود نیز انبیاء گرفته شده است. پس در حقیقت میثاقی که گرفته شده، هم از خود انبیاء و هم از مردم به وسیله انبیاء گرفته شده است. عبارت با هر دو مورد سازگاری دارد.

سیاق آیه‌ی «مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ...» تا آخر دو آیه و اتصالش به آیه مورد بحث تأیید می‌کند که مراد، میثاقی است که، از خود انبیاء گرفته شده، چون وحدت سیاق این مطلب را می‌رساند که، انبیاء بعد از آنکه خدا، کتاب و حکم و نبوتشان داده، ممکن نیست مردم را به سوی شرك و شریک بخوانند و چطور چنین چیزی ممکن است، با اینکه از آنان میثاق گرفته شده به ایمان و به اینکه سایر پیغمبران را که به سوی توحید خدای سبحان دعوت می‌کرده‌اند یاری کنند؟ بنابراین مناسب همین بود که، سخن از میثاق بیاورد، از این جهت که از خود انبیاء گرفته شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/ ۳۳۳ و ۳۳۲)

«لَمَّا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ» بیان میثاقی است که گرفته شده و معنای آیه این است «به یاد آور زمانی را که خداوند از پیامبران پیمانی گرفت و آن این بود: هر آینه آنچه من از کتاب و حکمت به شما دادم و در آن کتاب، خبر از پیغمبر بعدی دادم. (همان: ۳/ ۳۳۳)

«ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ»؛ پیغمبر پیشین، باید به پیغمبر بعد از خود ایمان آورده و او را یاری کند. همچنین از ظاهر آیه‌ی «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أَنزَلَ عَلَيْنَا وَ مَا أَنزَلَ عَلَي إِبْرَاهِيمَ...» به دست می‌آید که، هر یک از پیغمبران لاحق و سابق به دیگری، وظیفه یاری کردن را دارند. (همان: ۳/ ۳۳۴)

«قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا»؛ گرفتن پیمان غیر از شخص گیرنده، طرف دیگری لازم دارد که از او عهد و پیمان گرفته شود. در اینجا طرف دیگری، غیر از امت‌های پیغمبران کس دیگری نخواهد بود. پس معنی چنین می‌شود: آیا به میثاق و عهد اقرار کردید و بر طبق آن از امت‌های خود برایم عهد گرفته‌اید؟ گفتند: اقرار داریم. (همان)

«قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»؛ ظاهر شهادت این است که علیه غیر باشد، پس این شهادت هم، شهادتی است از انبیاء و هم شهادتی است از امت‌ها و شاهد آن همان‌طور که در قبل گفته شد، عبارت: «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ...» است. علاوه بر این، سیاق نیز بر این معنا شهادت می‌دهد؛ برای اینکه می‌دانیم آیات مورد بحث در این زمینه

است که علیه اهل کتاب احتجاج کند که دعوت پیامبر اکرم (ص) را اجابت نکردند. هم‌چنان که علیه ایشان احتجاج کرده که چرا نسبت‌های ناروا به عیسی و موسی (ع) و غیر آن‌ها دادند، و آیه‌ی بعد هم که می‌فرماید: «أَفَعَبِّرْ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ...» و آیاتی دیگر بر این معنا دلالت دارند. (همان)

یکی از لطایفی که در این آیه به کار رفته، این است که، با در نظر گرفتن عبارت «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ» تا عبارت «ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ» این سؤال مطرح می‌شود که، فرق بین نبوت و رسالت چیست و آیا مصداق رسول، اخص از مصداق نبی است؟ همچنین استفاده می‌شود که، میثاقی که گرفته شده از شخص معینی نبوده، بلکه از مقام نبوت برای مقام رسالت بوده است. پس مقام نبوت تعهدی نسبت به مقام رسالت دارد، ولی مقام رسالت چنان تعهدی نسبت به مقام نبوت ندارد. چون آیه دلالتی بر عکس این قضیه ندارد. همچنین با استفاده از این لطیفه در آیه‌ی شریفه، می‌توان به سخنانی که بعضی از مفسرین در معنای آیه‌ی مورد بحث گفته‌اند، مناقشه نمود. آنان گفته‌اند که: میثاق گرفته شده از همه‌ی انبیا، برای همه‌ی انبیا است و معنایش این است که، همه‌ی آنان یکدیگر را تصدیق کنند و هر یک مردم را امر کنند به اینکه به دیگران نیز ایمان بیاورند. خلاصه، آیه‌ی شریفه می‌خواهد بفهماند؛ دین خدا یکی است و تمام انبیا مردم را به سوی آن دین فرا می‌خوانند. (همان: ۳/ ۳۳۵) عبارت: «فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» برای تأکید میثاق مذکور است. (همان)

۱-۳- تفهیر تسنیم ذیل آیات ۸۱ و ۸۲ آل عمران

تفسیر تسنیم از دو تفسیر دیگر، توضیحات تفسیری را وسیع‌تر می‌کند. بنابراین در این بخش، مفاهیم دریافتی از تفسیر تسنیم، به چند بخش تقسیم می‌شود.

۱-۳-۱- میثاق گرفتن از انبیا (علیهم‌السلام)

برخی موضوع آیه‌ی مورد بحث را گرفتن میثاق از مردم برای انبیا (علیهم‌السلام) دانسته‌اند؛ به گواهی آیه‌ی بعدی که می‌فرماید: «فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»، زیرا انبیا (علیهم‌السلام) معصوم و از نقض عهد منزّه‌اند و چنین تعبیری درباره‌ی آنان روا نیست. همچنین باید گفت عبارت «فَمَنْ تَوَلَّى» جمله‌ی شرطی است نه تنجیزی، تا اخبار از کار انبیا (علیهم‌السلام) باشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۴/ ۶۵۲) انبیا (علیهم‌السلام) هم شاهد امت‌هایی خویش‌اند، هم گواه یکدیگر و خداوند نیز بر همه شاهد است؛ از این رو هیچ راهی برای انکار این تعهد نیست. خداوند با تنزل در مقام فعل می‌فرماید: من با شما و از شاهدانم و در همه‌ی مراحل حضور دارم. (همان: ۱۴/ ۶۴۶)

۱-۳-۲- نقد سخن استاد علامه طباطبایی از سوی علامه جوادی آملی

علامه طباطبایی بر این باور است؛ اینکه قرآن کریم فرموده: خداوند از انبیا برای رسول پیمان گرفت، از لطایف این آیه است و نشان می‌دهد که رسالت، پس از نبوت است.

از نبی پیمان می‌گیرند که مقدم رسول را گرامی بدارد. این معنا تا حدی لطیف است؛ اما چون لفظ «رسول» مفرد است نه جمع، نمی‌توان گفت پیمان گرفتن از مقام نبوت برای مقام رسالت مراد است. اگر به جای «رسول»، کلمه «رسل» آمده بود، برداشت استاد علامه تام بود (همان: ۱۴ / ۶۵۱)

۱-۳-۳- شهادت خداوند و پیامبران

بر پایه‌ی عبارت «فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»؛ انبیاء (علیهم السلام) هم شاهد امت‌های خویش‌اند و هم، گواه یکدیگر و خداوند نیز بر همه شاهد است؛ پس هر امتی شهید و شاهده‌ی دارد که پیامبر آن امت است: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ شُهَدَاءَ» (نساء/ ۱۷) و پیامبر اسلام (ص) شهید شه‌داست، زیرا هم بر انبیاء شاهد است و هم بر امت‌ها. خدا نیز شاهد مطلق بر شاهد و مشهود است؛ از این رو هیچ راهی برای انکار این تعهد و پیمان نیست. گفتنی است؛ عبارت «وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»، تنزلی است از ذات اقدس خداوندی در مقام فعل، یعنی من با شما و از شاهدانم و در همه‌ی مراحل حضور دارم و هرگاه کمک بخواهید به یاری شما خواهیم آمد. (همان: ۱۴ / ۶۵۴)

۱-۳-۴- روی‌گرداندن بعد از اتمام حجت

تعبیر «فَمَنْ تَوَلَّى» بیان اثر نامیمون کسانی است که پس از حضور در صحنه میثاق، اعتراف و اقرار، مشاهده‌ی استشهداد و شهادت شاهدان و اتمام حجت، سرانجام اعراض می‌کنند. از دیدگاه قرآن کریم اینان فاسق‌اند: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» همان‌گونه که انسان در کمال به جایی می‌رسد که درباره‌اش گفته می‌شود: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ خَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (اعراف/ ۱۷۲) اگر پس از میثاق اعراض کند، در نهایت شدت فسق و درخور تعبیر «فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» است. (همان: ۱۴ / ۶۵۵)

۱-۴- نکات تطبیقی سه تفسیر ذیل آیات ۸۱ و ۸۲ آل عمران

نکات به‌دست آمده از مطالعه تطبیقی آیات ۸۲ و ۸۱ به شرح زیر است:
 الف) در عبارت «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ» یک سؤال مطرح است و اینکه، آیا منظور میثاقی است که از دیگران برای انبیاء گرفته شده و یا منظور میثاقی است که از خود انبیاء گرفته شده است؟ با بررسی تطبیقی بین این سه تفسیر معلوم شد؛ هر سه تفسیر با نظری واحد، آن را میثاقی بیان کرده‌اند که، از خود انبیاء گرفته شده است.
 در این قسمت از آیه شریفه که می‌فرماید: «لَمَّا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»؛ هر سه تفسیر بیانگر یک مفهوم‌اند. هرگاه کتاب آسمانی و حکمت و دانشی برای شما آمد و بعد از آن پیامبری آمد که، آن کتاب و حکمتی را که نزد شماست، تصدیق کرد، بی‌درنگ به او ایمان آورید و یاری‌اش نمایید.

نظر سه مفسر درباره‌ی عبارت: «قَالَ أَ أَقْرَبْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَبْنَا» به یک مفهوم کلی اشاره دارند، ولی تفسیر المیزان بیانگر نکته‌ای است که می‌گوید: گرفتن پیمان غیر از شخص گیرنده، طرف دیگری لازم دارد که از او عهد و پیمان گرفته شود. در اینجا طرف دیگر میثاق، امت‌های پیغمبران خواهد بود. پس معنی چنین می‌شود: آیا به میثاق و عهد اقرار کردید و بر طبق آن از امت‌های خود برایم عهد گرفته‌اید؟ گفتند: اقرار داریم.

در عبارت «قَالَ فَأَشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ»: در بین این سه تفسیر، تفسیر تسنیم نسبت به المیزان و المیزان نسبت به مجمع‌البیان مفهوم وسیع‌تری از شهادت را ارائه نموده‌اند.

در عبارت «فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»: جهت واکاوی تطبیقی در این عبارت می‌توان به موارد فوق اشاره داشت، زیرا هر دو آیه در یک سیاق‌اند.

۲- بررسی تطبیقی مجمع‌البیان، المیزان و تسنیم در آیه ۸۳ سوره آل عمران

پس از بررسی آیات ۸۱ و ۸۲ آل عمران در سه تفسیر یاد شده، در این بخش، نکات تفسیری آیه ۸۳ از این سوره، از منظر تفاسیر مورد نظر، بررسی خواهد شد. قرآن کریم در آیه ۸۳ سوره آل عمران می‌فرماید:

«أَفَعَبِّرِدِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» یعنی: پس آیا جز دین خدا را می‌طلبند؟ درحالی‌که هر کس در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه (تکویناً) در برابر او تسلیم است (پس دین نیز که تسلیم‌شدن تشریحی است باید از آن او باشد) و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند. (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۱: ۶۰)

۲-۱- تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه ۸۳ آل عمران

چون خداوند بطلان یهود و دیگر ملت‌های غیر از اسلام را بیان فرمود، در پی آن می‌فرماید: هر کس جز اسلام را بپذیرد، گمراه است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۷۸۷) و در ادامه فرموده است: «أَفَعَبِّرِدِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ»: یعنی پس از این همه آیات و حجج دینی، به جز اسلام را طلب می‌کنند؟ (همان)

«وَ لَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا»: اینجا در طوعاً و کرهاً تنها به ذکر نقل قول پرداخته شده است. (همان) «وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»: یعنی به سوی پادشاه او برمی‌گردند. پس به دین او چنگ زنید و با اسلام مخالفت نکنید. (همان)

۲-۲- تفسیر المیزان ذیل آیه ۸۳ آل عمران

«أَفَعَبِّرِدِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ»: این عبارت به خاطر اینکه حرف «فاء» بر سر آن آمده، تفریح و نتیجه‌گیری از آیه‌ی قبل است که، درباره‌ی پیمان‌گرفتن از انبیاء بود. معنایش این

است: حال که معلوم شد دین خدا واحد است و آن همان است که، از همه‌ی انبیاء و امت‌های آنان بر آن، پیمان گرفته شد که، هر پیغمبر متقدم، به آمدن پیغمبر بعد از خود بشارت دهد و به آنچه او می‌آورد ایمان آورده، تصدیقش کنند. دیگر این اهل کتاب را چه می‌شود که به تو ای رسول اسلام ایمان نمی‌آورند و از کفر به تو چه چیزی می‌خواهند؟ از ظاهر حالشان برمی‌آید که در جستجوی دین‌اند، آیا در جستجوی دینی غیر از اسلام‌اند؟ با این که از قرن‌ها پیش بر آنان واجب شده بود که به اسلام تمسک جویند. چون اسلام است آن دینی که، پایه و اساسش فطرت است. همچنین بر آنان واجب بود، دینی را بپذیرند که دلیل بر حقانیت آن همان دلیلی باشد که خداوند، تمامی ذوی‌العقول موجود در آسمان‌ها و زمین و همه‌ی صاحبان شعور را محکوم به قبول آن کرده و آن این است که، همان طور که در مقام تکوین تسلیم اویند، در مقام تشریح هم تسلیم او باشند و جز قانون او را نپذیرند «تسلیم تکوینی تمامی اهل آسمان‌ها و زمین در برابر خداوند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۳۳۶ و ۳۳۵)

«وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»: این همان اسلامی است که، تمامی ساکنان زمین و آسمان‌ها را که اهل کتاب هم طایفه‌ای از ایشان‌اند (اهل کتابی که می‌گویند ما تسلیم خدا نمی‌شویم) شامل می‌شود. لفظ «اسلم» صیغه‌ی ماضی است و ظهور دارد بر اینکه ساکنان زمین و آسمان در گذشته تسلیم خداوند بوده‌اند. نیز این تسلیمی که در سابق محقق شده، تسلیمی است تکوینی در برابر امر خدا، نه اسلام به معنای خضوع بندگی. مؤید این معنا، عبارت «طَوْعًا وَكَرْهًا» در آخر آیه است. بنابراین جمله «وَلَهُ اسْلَمَ» از قبیل مواردی است که گوینده به ذکر دلیل و سبب اکتفاء نموده و نامی از مدلول و مسبب نمی‌برد. نیز تقدیر کلام چنین است: «أَفَغَيْرَ الْإِسْلَامِ يَبْعُونَ وَهُوَ دِينُ اللَّهِ لَنْ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مُسْلِمُونَ لَهُ مُنْقَادُونَ لِأَمْرِهِ فَإِنْ رَضُوا بِهِ كَانَ إِنْقِيَادُهُمْ طَوْعًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَإِنْ كَرِهُوا مَا شَاءَهُ وَإِرَادُوا غَيْرَهُ كَانَ الْأَمْرُ أَمْرَهُ وَجَزَى عَلَيْهِمْ كَرْهًا مِنْ غَيْرِ طَوْعٍ»، یعنی: آیا غیر اسلام را می‌جویند؟ با اینکه اسلام دین خدا است، چون هر کس که در آسمان‌ها و زمین است، تسلیم او و منقاد امر اوست. پس اگر به امر او رضایت دهند، انقیادشان طوعی است از ناحیه‌ی خود آنان. و اگر آنچه را خدا می‌خواهد کراهت داشته و غیر آن را بخواهند امر، امر اوست و امر خود را به کره جاری می‌فرماید. (همان: ۳/۳۳۶)

از مطلب فوق روشن می‌شود که، (واو) در عبارت «طَوْعًا وَكَرْهًا» (واو) تقسیم است و مراد از طوع رضایت ایشان به خواسته خدا در مورد خویش است. در صورتی که خداوند چیزی درباره‌ی آنان خواسته باشد که دوستش بدارند. نیز مراد از «کره» این است که آنچه خدا در مورد ایشان خواسته، نخواهند و از آنان کراهت داشته باشند؛ نظیر مرگ و میر، فقر و بیماری و امثال آن. (همان)

«وَالِيهِ يَرْجِعُونَ»: این عبارت، سبب دیگری است برای اینکه اسلام را به عنوان دین

طلب کنند، زیرا بازگشتشان به الله «مولای حقیقیشان» است، نه به آن چیزی که کفرشان و شرکشان آنان را به سوی هدایت می کند. (همان)

۲-۳- تفسیر تسنیم ذیل آیه ۸۳ آل عمران

تقییح و توییح اعراض از دین خدا: مفاد آیه‌ی پیش، همگان، اعم از انبیا و امت‌های گذشته و حال را شامل می‌شد. انبیاء و مؤمنان از امت‌ها، میثاق را عملاً قبول کردند؛ ولی گروهی روی برگرداندند که، مشمول صدر آیه‌اند: «أَفَعَبِّرِدِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۴/۷۰۰)

همزه در «أَفَعَبِّرِدِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ» نشانه‌ی تقبیح و توییح اعراض است و فاء تفریع در «أَفَعَبِّرِ» تفریح بر مطلبی است که، در آیه‌ی پیشین آمده است؛ یعنی آنان پس از سپردن میثاق باید تسلیم حق می‌شدند و به ایمان اقرار می‌کردند، اما کفر را بر میثاق الهی متفرع کردند. (همان: ۱۴/۷۰۱ و ۷۰۰)

مفعول در اصل باید متأخر از فعل باشد؛ لیکن گاهی برای مهم جلوه دادن کمال و مهم جلوه دادن نقص، از فعل خود پیشی می‌گیرد. تقدیم مفعول بر فعل در این آیه برای گوشزد کردن اهمیت خطر پیروی از دین غیر خداست (همان: ۱۴/۷۰۱)

اثبات و نفي در آیه: بر اساس قضیه سالبه کلی؛ آیه می‌گوید: «هیچ موجود آسمانی و زمینی در برابر غیر خدا خضوع و انقیاد ندارد». این مطلب را از تقدیم کلمه «لَهُ» که مفید حصر است، می‌توان برداشت کرد. براین اساس، «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً» بیان دیگری از جمله نورانی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است که، مفید حصر است. (همان: ۱۴/۷۰۱ و ۷۰۲)

کره و طوع: نمی‌توان آیه را بر طوع و کره تشریحی حمل کرد، زیرا عده‌ای، حتی کره‌ها ایمان نیاورده‌اند، بنابراین مراد از «أَفَعَبِّرِدِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ» ایمان تشریحی و مراد از «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً» اسلام تکوینی است. عبارت «وَاللَّهُ يَرْجِعُونَ» نیز ناظر به ایمان تکوینی است؛ با این تفاوت که «وَلَهُ أَسْلَمَ...» مبدأ و اول بودن ذات اقدس حق تعالی را بیان می‌کند و جمله‌ی «وَاللَّهُ يَرْجِعُونَ» معاد و آخر بودن او را بیان کرده است. چنان که بفرماید آیا غیر دین خدا را می‌جویند: «أَفَعَبِّرِدِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ»، درحالی‌که او اول است و همه تسلیم اویند: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و او آخر است و «وَاللَّهُ يَرْجِعُونَ» و به سوی او همه امور برمی‌گردد. (همان: ۱۴/۷۰۸)

سال پنجم

شماره اول

پیاپی: ۹

بهار و تابستان

۱۳۹۹

۲-۴- نکات تطبیقی سه تفسیر ذیل آیه ۸۳ آل عمران

الف) «أَفَعَبِّرِدِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ»: برای این عبارت از آیه در هر سه تفسیر يك مفهوم کلی به چشم می‌خورد، اما تفاسیر المیزان و تسنیم به توضیحات اندک اکتفا نکرده و نکاتی را ذیل این قسمت بیان کرده‌اند. به عنوان نمونه: تفسیر المیزان برای این عبارت و

قسمت بعد آیه تقدیر در نظر گرفته است: «أَفَغَيْرَ الْإِسْلَامِ يَبْغُونَ وَهُوَ دِينُ اللَّهِ لَنْ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مُسْلِمُونَ لَهُ مُنْقَادُونَ لَأَمْرِهِ فَإِنْ رَضُوا بِهِ كَانَ أَنْقِيَادُهُمْ طَوْعاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَإِنْ كَرِهُوا مَا شَاءَهُ وَإِرَادُوا غَيْرَهُ كَانَ الْأَمْرُ أَمْرَهُ وَجَزَى عَلَيْهِمْ كَرْهًا مِنْ غَيْرِ طَوْعٍ» همچنین تفسیر تسنیم، اضافه می‌کند: انبیاء و مؤمنان از امت‌ها میثاق را عملاً قبول کرده‌اند؛ البته در مقابل گروهی قبول نکرده‌اند که مشمول صدر آیه‌اند: «أَفَغَيْرِ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ»

تقدیم مفعول بر فعل در این آیه، برای گوشزد کردن اهمیت خطر پیروی از دین غیر خداست.

«وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهًا»؛ در تسنیم اشاره شده که از تقدیم کلمه «له» که مفید حصر است می‌توان قضیه‌ی سالبه کلی برداشت کرد. همچنین از جمع گفته‌های المیزان و تسنیم نتیجه گرفته می‌شود که نمی‌توان آیه را بر طوع و کره تشریحی حمل کرد. «وَالِلَّهِ يَرْجَعُونَ»؛ در باب این قسمت، هر سه تفسیر بیانگر یک مفهوم‌اند.

نتیجه‌گیری

۱. یکی از راه‌های مفید جهت فهم عمیق آیات قرآن کریم و نفوذ مراد آیات الهی در دل و جان، تفسیر تطبیقی است.
۲. با توجه به آنچه که در رابطه با تفسیر مجمع البیان باب شده است، مبنی بر اینکه این تفسیر ادبی-کلامی و شیعی-اجتهادی است، ولی کاملاً این‌طور نیست و صاحب مجمع البیان در بسیاری از موارد برای تفسیر از روایات بهره برده است.
۳. هر سه مفسر سعی کرده‌اند، آیاتی را که در یک سیاق‌اند، در یک بخش تفسیر کنند و نه جدا جدا.
۴. با بررسی و مطالعه‌ی تطبیقی میان آیات در این سه تفسیر گاه به‌نظر می‌آید که مفسران دارای اختلاف نظرند؛ اما با مطالعات عمیق‌تر دریافت می‌شود که، در واقع این چنین نیست. بلکه هرچه مفسر به زمان حاضر، نزدیک‌تر می‌شود توضیحات تفسیری را وسیع‌تر می‌کند.
۵. نتایج به‌دست آمده از بررسی تطبیقی هر آیه که، در این پژوهش حاصل گردید، باعث بارورتر شدن ذهن دانشجویان تفسیر قرآن برای این‌گونه از تفاسیر می‌شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. اوسسی، علی رمضان (۱۳۸۱): «روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، مترجم: حسین میرجلیلی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲. ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۷۸): «شناخت‌نامه تفاسیر: نگاهی اجمالی به ۱۳۰ تفسیر برجسته از مفسران شیعه و اهل سنت»، قم: کتاب مبین، چاپ اول.
۳. ایمانی‌خوشخو، مریم؛ تقدسی، زینب (۱۳۹۵): «مبانی، روش و گرایش تفسیر تسنیم»، نشریه سراج منیر (دانشگاه علامه طباطبایی)، ش ۲۵، ص ۵۲-۲۷.
۴. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش): «تسنیم»، قم: مؤسسه اسراء، چاپ اول.
۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۰ش): «درباره تفسیر المیزان»، مجله نشر دانش، ش ۷، ص ۱۷-۱۰.
۶. ذهبی، محمد حسین (۱۳۹۶ق): التفسیر و المفسرون، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۷. شایان‌فر، شهناز (۱۳۸۷ش): «عبدالله جوادی‌آملی حکیم الهی و مفسر قرآنی»، نشریه کتاب ماه فلسفه، ش ۱۸، ص ۱۰-۹۵.
۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم.
۱۰. لقمانی، احمد (۱۳۸۰ش): «علامه طباطبایی؛ میزان معرفت»، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی / شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
۱۱. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دهم.



References

The Holy Quran

1. Osi, Ali Ramadan (1381SH): "Allameh Tabatabai's method in interpreting Al-Mizan", translated by Hossein Mirjalili, Tehran: Islamic Propaganda Organization, first edition.
2. Ayazi, Sayyed Mohammad Ali (1378SH): "Introduction to Interpretations: A Brief Look at 130 Outstanding Interpretations of Shiite and Sunni Commentators", Qom,: Mobin Book, First Edition.
3. Imani Khoshkhoo, Maryam; Taqdasi, Zeinab (1395SH): "Basics, method and tendency of Tasnim interpretation", Siraj Munir (Allameh Tabatabai University), Vol. 25, pp. 52-27.
4. Javadi Amoli, Abdullah (1378 SH): "Tasnim", Qom: Esra 'Foundation, first edition.
5. Khorramshahi, Bah'u'll (h (1360SH): "On the Interpretation of Al-Mizan", Danesh Publishing Magazine, Vol. 7, pp. 17-10.
6. Zahabi, Mohammad Hussein (1396 AH): AL-Tafsir wa AL-Mofaserown, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
7. Shayanfar, Shahnaz (1387SH): "Abdullah Javadi Amoli Hakim Elahi and Quranic Interpreter", Book of the Month of Philosophy, Vol. 18, pp. 10-95.
8. Tabatabai, Mohammad Hussein (1390 AH): "Al-Mizan fi Tafsir AL- Qur'an", Beirut: Al-Aalami Foundation for Publications, second edition.
9. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1372 SH): "Majma 'al-Bayyan fi Tafsir al-Quran", Tehran: Naser Khosrow, third edition.
10. Loghmani, Ahmad (1380SH): "Allameh Tabatabai; Level of Knowledge ", Tehran: Islamic Propaganda Organization / International Publishing Company, First Edition.
11. Makarem Shirazi, Nasser (1371SH): "Tafsire Nomoneh", Tehran: Islamic Library, tenth edition.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی